

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تبیین رابطه لیبرالیسم جنسی و خشونت از دیدگاه نوروسایکولوژی و روان تحلیل گری

سید علی مرعشی

دکترای حرفه‌ای پزشکی و دکترای تخصصی روانشناسی

عضو هیات علمی گروه روانشناسی بالینی دانشگاه شهید چمران اهواز



کنترل رفتارهای انسان تحت تأثیر دو دستگاه هورمونی و عصبی است (گایتون و هال^۱، ۱۹۹۶). منظور از دستگاه هورمونی مجموعه غدد درون‌ریز و ترشحات آن‌ها (هورمون‌ها) است که این ترشحات وارد گردش خون شده و بر بافت‌های هدف (که سلول‌های آن‌ها برای هورمون مربوطه گیرنده داشته باشند) اثر کرده و ساختمان و عملکرد سلول‌ها را تغییر می‌دهند. منظور از دستگاه عصبی مجموعه مغز، نخاع و اعصاب محیطی است که با جریان‌های الکتریکی و پیام‌رسان‌های شیمیایی (نوروترانسمیترها) کار می‌کنند. عملکرد سیستم عصبی می‌تواند خودآگاه یا ناخودآگاه و همچنین ارادی یا غیرارادی باشد (مرعشی، ۱۳۸۶).

یکی از رفتارهای مهم جانداران رفتار جنسی است که بر خلاف تصور عامیانه از پیچیدگی زیادی برخوردار است. این رفتار که با هدف بقای نسل طراحی شده خود شامل سه بخش است: جفت‌گیری، رفتار مادرانه و رفتار پرخاشگرانه. رفتار مادرانه در نرها دیده می‌شد اما در ماده‌ها برجسته‌تر است. رفتار پرخاشگرانه نیز در ماده‌ها دیده می‌شود اما در نرها برجسته‌تر است. بخش اول سبب تولید مثل، بخش دوم سبب نگهداری فرزندان و بخش سوم برای دفاع از فرزندان در برابر عوامل مهاجم و تأمین غذا از راه شکار برای آنان است. بر خلاف تصور عمومی از دیدگاه روانشناسی فیزیولوژیک همه این سه نوع رفتار اجزای رفتار جنسی و در حالت طبیعی غیرقابل تفکیک از هم هستند (کارلسون^۲، ۱۹۹۲).

همه رفتارهای انسان از جمله رفتارهای جنسی توسط دو دستگاه عصبی و هورمونی مدیریت می‌شوند. شروع این تأثیرات از دوره جنینی است. مغز جنین پسر تحت تأثیر هورمون جنسی مردانه (عمدتاً تستوسترون) تفاوت‌هایی با مغز جنین دختر پیدا می‌کند. در واقع نرینه‌زائی هورمونی تأثیر شگرفی بر رشد مغز آدمی دارد و بر این اساس بخش‌هایی از مغز در زن‌ها و مرد‌ها متفاوت از یکدیگر است (کارلسون، ۱۹۹۲). پس از تولد و در طول زندگی نیز هورمون‌ها در تعامل مستقیم با سیستم عصبی بر رفتار (از جمله رفتار جنسی) تأثیر می‌گذارند. رفتار جنسی مردانه تا حد زیادی تحت تأثیر هورمون‌های جنسی نرینه (عمدتاً تستوسترون) و رفتار جنسی مادینه تا حد زیادی تحت تأثیر هورمون‌های جنسی زنانه (عمدتاً استرادیول و پروژسترون) است (واگنر و سیلبر^۳، ۲۰۰۴؛ ترجمه

^۱ Guyton & Hall

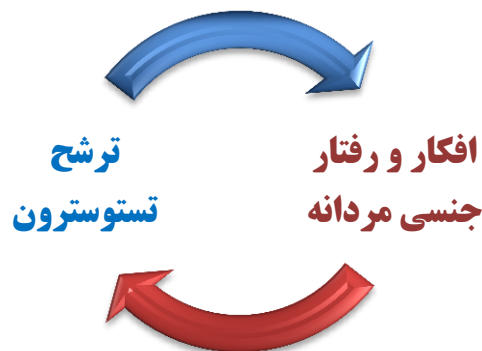
^۲ Carlson

^۳ Wagner & Silber

اسماعیلی و جعفری، ۱۳۹۲). همچنین مدارهای الکتروشیمیایی مربوط به مدیریت رفتار جنسی (و برخی رفتارهای دیگر) در مغز زن و مرد از یکدیگر متفاوت بوده و این تفاوت حاصل اثر هورمون‌های جنسی در دوران جنینی است (کارلسون، ۱۹۹۲). عمده‌ترین منبع هورمون‌های جنسی مردانه بیضه‌ها و منبع هورمون‌های جنسی زنانه تخمدان‌ها هستند (گایتون و هال، ۱۹۹۶). خواهیم دید که رفتارهای جنسی از عامل فیزیولوژیک دیگری نیز تأثیر می‌پذیرند که فرمون‌ها^۴ نام دارند. فرمون‌ها مواد شیمیایی هستند که در ترشحات بدن مانند عرق دفع شده و توسط عضو بویائی جنس مخالف دریافت می‌شوند (کارلسون، ۱۹۹۲).

کنترل هورمونی رفتار جنسی و رفتار پرخاشگری مردانه

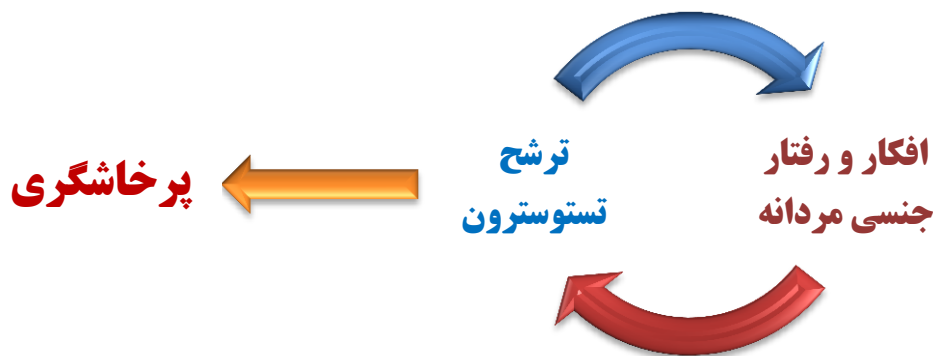
تحقیقات انجام‌شده با مردهایی که اخته شده بودند نشان داد که تزریق تستوسترون آشکارا سبب افزایش فعالیت جنسی آنان می‌شود. تستوسترون نه تنها بر فعالیت جنسی اثر می‌گذارد، بلکه از آن تأثیر هم می‌پذیرد، به گونه‌ای که حتی فکر کردن پیرامون موضوعات جنسی می‌تواند منجر به افزایش ترشح تستوسترون شود (کارلسون، ۱۹۹۲). بررسی‌ها نشان می‌دهد که تماشای فیلم‌هایی که موجب برانگیختگی جنسی می‌شوند سطح تستوسترون را در افراد جوان افزایش می‌دهند و این در حالی بود که تماشای فیلم‌های خشن سبب افزایش تستوسترون نشد (هلهمر، هابرت و شورمیر^۵، ۱۹۸۵).



^۴ pheromones
^۵ Hellhammer, Huber & Schürmeyer

با توجه به نمودار بالا می‌توان دید که چرخه هورمونی تحریک رفتار یک چرخه معیوب است، به این معنی که رفتار جنسی مردانه به جای آنکه سبب اشباع و سیرائی شود موجب عطش بیشتر می‌گردد. با این توصیف عقیده عامیانه مبنی بر اینکه آزادی جنسی مردان سبب سیرائی جنسی آنان می‌شود اشتباه است.

از سوی دیگر افزایش تستوسترون سبب افزایش رفتار پرخاشگرانه در مردان می‌شود (کارلسون، ۱۹۹۲). پسرهای در حال بلوغ به دلیل افزایش ناگهانی تستوسترون (که عامل بلوغ جنسی است) دچار افزایش پرخاشگری و حالات تهاجمی می‌شوند (گارن^۶، ۱۹۹۲؛ ساسمن، دورن و شیفلین^۷، ۲۰۰۳). دلویل، منصور و فریس^۸ (۱۹۹۶) نشان دادند که تستوسترون با اثر بر گیرنده‌های V₁ در هیپوتالاموس سبب پرخاشگری می‌گردد. همچنین اختگی که منبع اصلی تستوسترون را از بدن حذف می‌کند به طور قابل توجهی از میزان پرخاشگری مردان می‌کاهد (آرچر^۹، ۱۹۹۴). بنابراین افزایش تحریک جنسی مردان (یا گسترش رفتار جنسی در آنان)، با واسطه تستوسترون سبب افزایش نرخ خشونت مردانه می‌گردد. خواهیم دید که تستوسترون همچنین واسطه هورمونی رفتار آمیزشی و پرخاشگری زنانه نیز هست. انوموتو^{۱۰} (۱۹۷۹) نشان داد که در میمون‌ها در فصل جفتگیری نرخ پرخاشگری نرها به سوی ماده‌ها (چه آماده جفتگیری باشند و چه نباشند) افزایش می‌یابد. همچنین نشان داده شده که رفتار جنسی و پرخاشگری مادینه و نرینه تحت تأثیر تستوسترون کلید می‌خورند (دجونگه و وان دپل^{۱۱}، ۱۹۸۴).



^۶ Garn

^۷ Susman, Dorn, & Schiefelbein

^۸ Delville, Mansour & Ferris

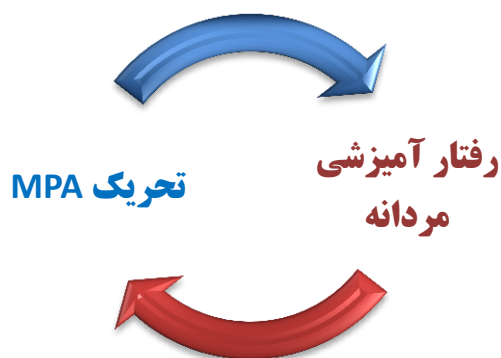
^۹ Archer

^{۱۰} Enomoto

^{۱۱} De Jonge & Van De Poll

کنترل عصبی رفتار جنسی و رفتار پرخاشگری مردانه

تحریک الکتریکی ناحیه پیش بینائی میانی (MPA)^{۱۲} که درست در قسمت سری هیپوتالاموس قرار دارد موجب برانگیختگی رفتار آمیزشی نرینه می‌شود. جالب است که رفتار آمیزشی نرینه نیز سبب افزایش فعالیت MPA می‌گردد (کارلسون، ۱۹۹۲). بنابراین علاوه بر چرخه معیوب هورمونی در تحریک جنسی مردانه که قبلاً دیدیم، یک چرخه معیوب عصبی نیز در تحریک جنسی مردانه وجود دارد.



از سوی دیگر MPA محرک رفتار پرخاشگری مردانه نیز هست. اندرسون^{۱۳} (۲۰۱۲) با بررسی نوروآناتومی مغز انسان دریافت که مراکز عصبی رفتار آمیزشی و رفتار پرخاشگرانه در هیپوتالاموس مشترک هستند. بین و کانر^{۱۴} (۱۹۸۷)، به نقل از مورگان^{۱۵}، (۲۰۰۵) دریافتند که تزریق تستوسترون در MPA سبب بازگشت پرخاشگری موش‌های نر اخته شده می‌گردد. تخریب MPA سبب توقف هر دو رفتار جنسی نرینه و پرخاشگری نرینه در موش‌ها می‌گردد (برموند^{۱۶}، ۱۹۸۲). مطالعات دال بر نتایج مشابهی در گربه‌ها و سگ‌ها نیز هست (هانسپرگر^{۱۷}، ۱۹۸۳). همچنین آزمایش نشان می‌دهد که در موش نر، اگر بعد از ارضای جنسی، تحریک بیشینه مراکز عصبی رفتار جنسی صورت گیرد، پرخاشگری اتفاق می‌افتد (لین^{۱۸} و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین افزایش تحریک جنسی مردان یا گسترش رفتار جنسی در آنان با واسطه تحریک MPA سبب افزایش نرخ خشونت مردانه می‌گردد.

^{۱۲} medial pre-optic area

^{۱۳} Anderson

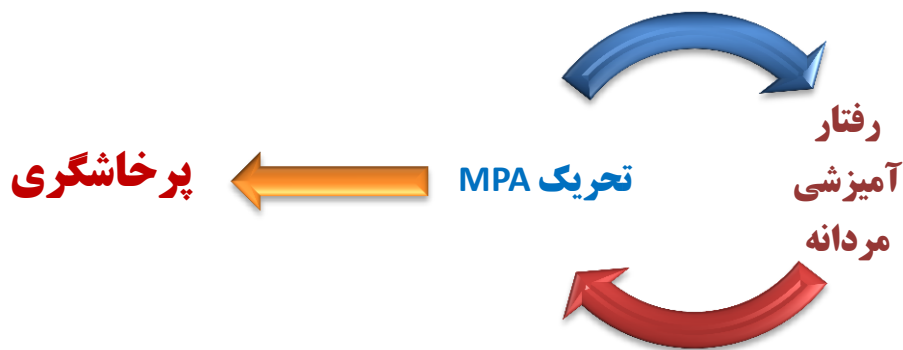
^{۱۴} Bean & Conner

^{۱۵} Morgan

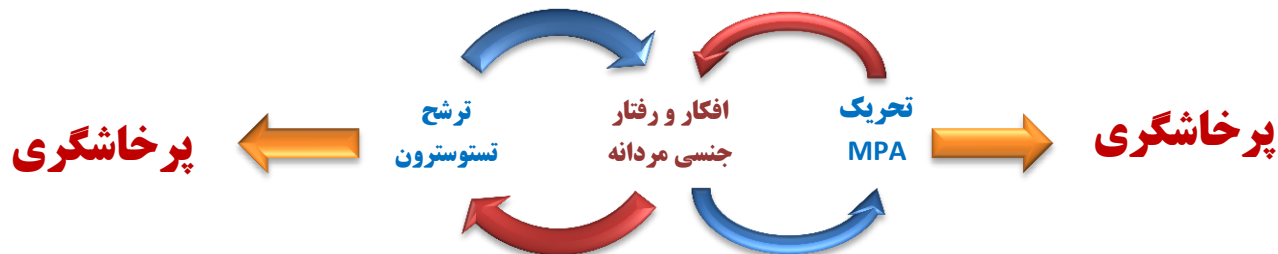
^{۱۶} Bermond

^{۱۷} Hunsperger

^{۱۸} Lin



هر دو چرخه معیوب هورمونی و عصبی با هم افزائی زیاد سبب می شوند رفتار جنسی بیشینه به تحریک جنسی بیشینه منتهی شود و نه به سیرائی جنسی، که این روند البته با شدت بیشتری به خشونت منتهی می شود.



کنترل هورمونی رفتار جنسی، رفتار مادری و رفتار پرخاشگری زنانه

علاوه بر آنکه استرادیول و پروژسترون بر رفتار جنسی مادینه اثر افزایش دهنده دارند، تستوسترون نیز برای این رفتار در زن ها لازم است. پرسکی^{۱۹} و همکاران (۱۹۷۸) دریافتند که بسامد آمیزش در یک چرخه قاعدگی با افزایش ترشح تستوسترون در حین تخمک گذاری همبستگی دارد. بنابراین تستوسترون اثر فعال ساز بر رفتار جنسی زنان دارد. همچنین تستوسترون اثر فعال ساز بر پرخاشگری مادینه نیز دارد.

رفتار مادری در زنان تحت تأثیر استروژن، پروژسترون و پرولاکتین است (کارلسون، ۱۹۹۲). رفتار مادری و رفتار جنسی با واسطه هورمونی با یکدیگر چرخه معیوب نمی سازند. بنابراین آنچنانکه رفتار جنسی می تواند به پرخاشگری منتهی شود به همان میزان به رفتار مادری ختم نمی شود.

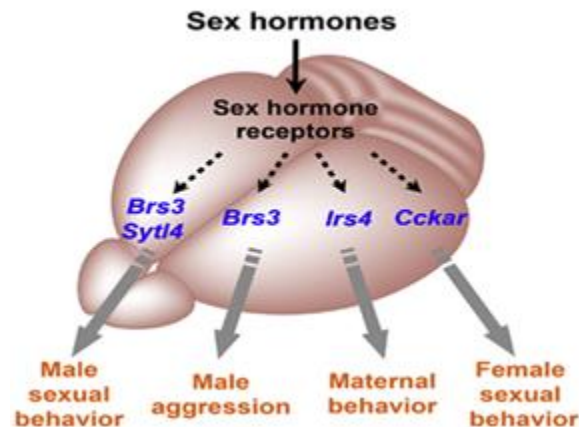
^{۱۹} Persky

کنترل عصبی رفتار جنسی، رفتار مادری و رفتار پرخاشگری زنانه

هسته شکمی - میانی هیپوتالاموس (VMH)^{۲۰} اگر به وسیله استرادیول و سپس پروژسترون فعال گردد منجر به تحریک رفتار جنسی مادینه می‌شود. در مادینه تحریک مسیر عصبی MPA (در هیپوتالاموس) به VTA^{۲۱} (در مغز میانی) سبب رفتار مادری می‌گردد. همچنین VTA رفتارها یورشی را در مادینه کلید می‌زند (کارلسون، ۱۹۹۲). بنابراین به نظر می‌رسد که رفتار جنسی مادینه از طریق عصبی به رفتار پرخاشگری مادینه منتهی نمی‌شود، اما همانطور که دیدیم رفتار جنسی و پرخاشگری در مادینه با هم ارتباط هورمونی داشته با هورمون مشترکی (تستوسترون) کلید می‌خورند. با این حال پس از آبتنی رفتار مادری و پرخاشگری مسیر عصبی مشترکی دارند که هر دو از VTA می‌گذرد. بنابراین گرچه رفتار جنسی مادینه از راه عصبی فوراً به پرخاشگری منتهی نمی‌شود اما اگر رفتار جنسی به بارداری منتج شود توأمأ به رفتار مادری و پرخاشگری می‌انجامد.

تعامل سیستم عصبی و سیستم هورمونی در رفتارهای جنسی، رفتار مادرانه و پرخاشگری

در نمودار زیر تعامل سیستم عصبی و سیستم هورمونی را در برانگیختن رفتارهای آمیزشی، مادرانه و پرخاشگرانه می‌بینیم. هورمون‌های جنسی با اثر بر رسپتورهای مخصوص هر یک از این رفتارها، آن‌ها را به طور همزمان انگیزه می‌کنند (زو^{۲۲} و همکاران، ۲۰۱۲).



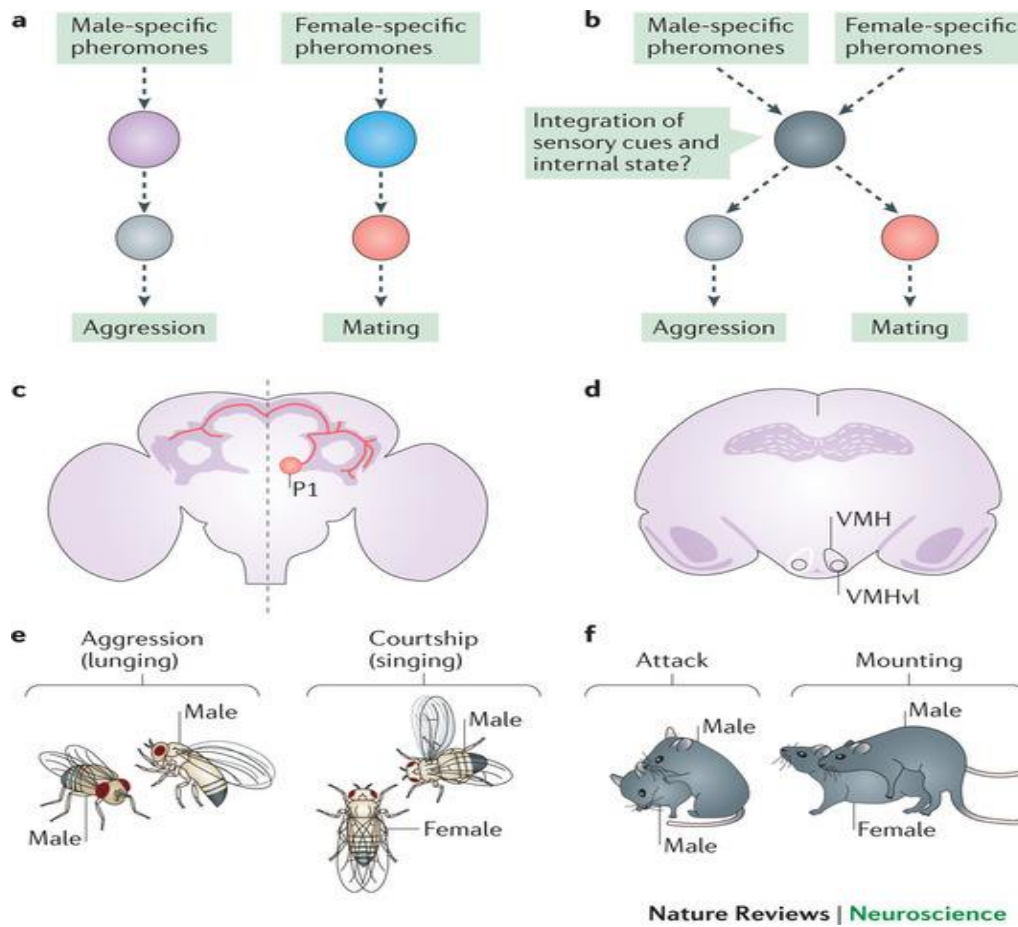
^{۲۰} ventromedial nucleus of hypothalamus

^{۲۱} ventral tegmental area

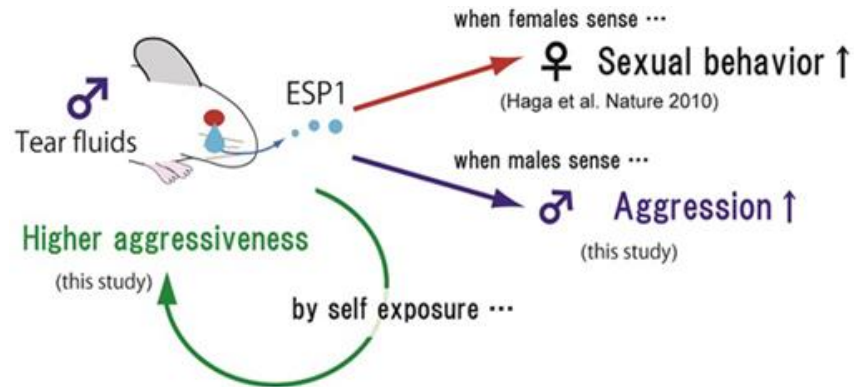
^{۲۲} Xu

نقش فرومون‌ها در رفتار جنسی، پرخاشگری و رفتار مادرانه

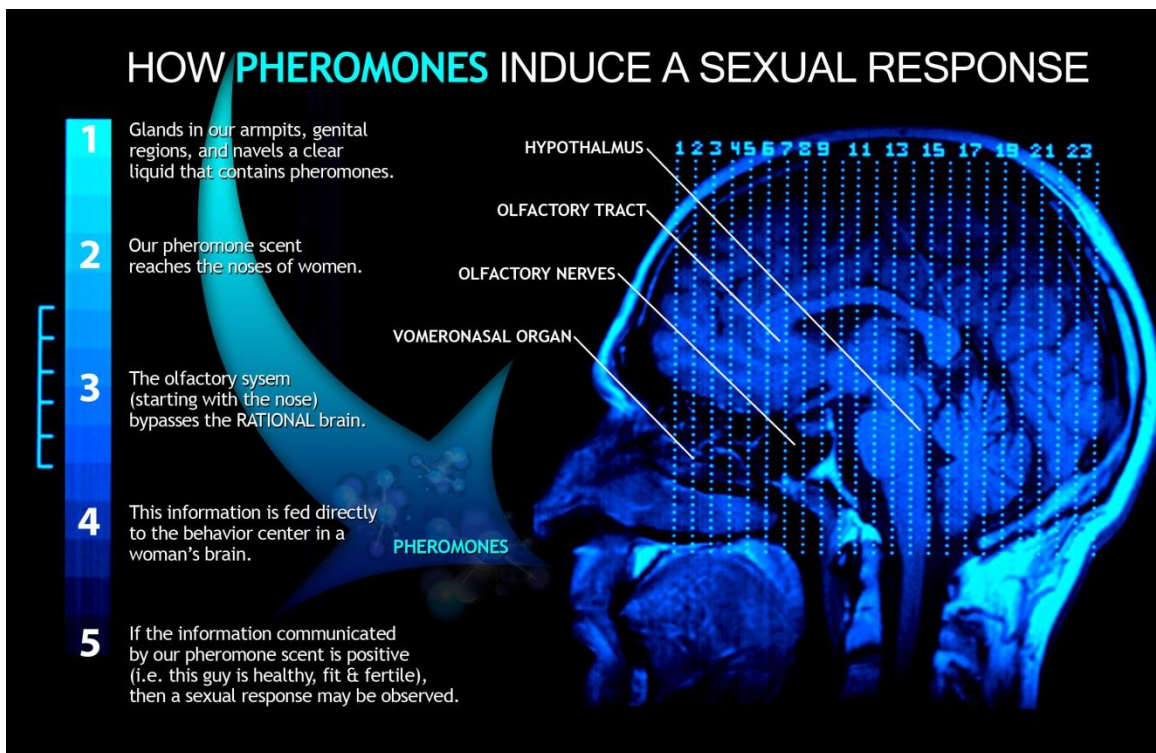
فرومون‌ها مواد شیمیایی هستند که از راه عرق یا ادرار یک حیوان یا انسان در هوا منتشر شده و توسط حیوان یا انسان دیگری دریافت می‌شوند. اکثر فرومون‌ها از طریق پیاز بویایی اصلی یا فرعی و تعدادی هم توسط پوست جاندار گیرنده جذب می‌شوند. فرومون‌هایی که در ترشحات بدن ماده وجود دارند رفتار جنسی نرها را برانگیخته می‌کنند (کیکوسویی^۳، ۲۰۱۳). همچنین چرخه قاعدگی خانم‌هایی که مدتی در کنار هم زندگی می‌کنند با یکدیگر همزمان می‌گردد و حضور آقایان سبب می‌شود که این چرخه‌ها کوتاه‌تر شوند (کارلسون، ۱۹۹۲). عضو بویایی از طریق مسیرهای عصبی پیام‌های حاصل از فرومون‌ها را به هسته‌های MPA و VMH در هیپوتالاموس فرستاده و واکنش‌های جنسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نمودار زیر مشاهده می‌شود که چگونه در پستانداران فرومون‌های ماده سبب کلید خوردن رفتار جفت‌گیری نرینه همزمان و پرخاشگری نرینه می‌شوند (اندرسون، ۲۰۱۶).



همچنین در نمودار زیر مشاهده می‌گردد که فرومون‌های اشک نرها سبب برانگیخته شدن رفتار جنسی ماده‌ها (هاگا^{۲۴} و همکاران، ۲۰۱۰) و پرخاشگری سایر نرها می‌شود (هاتوری^{۲۵} و همکاران، ۲۰۱۰).



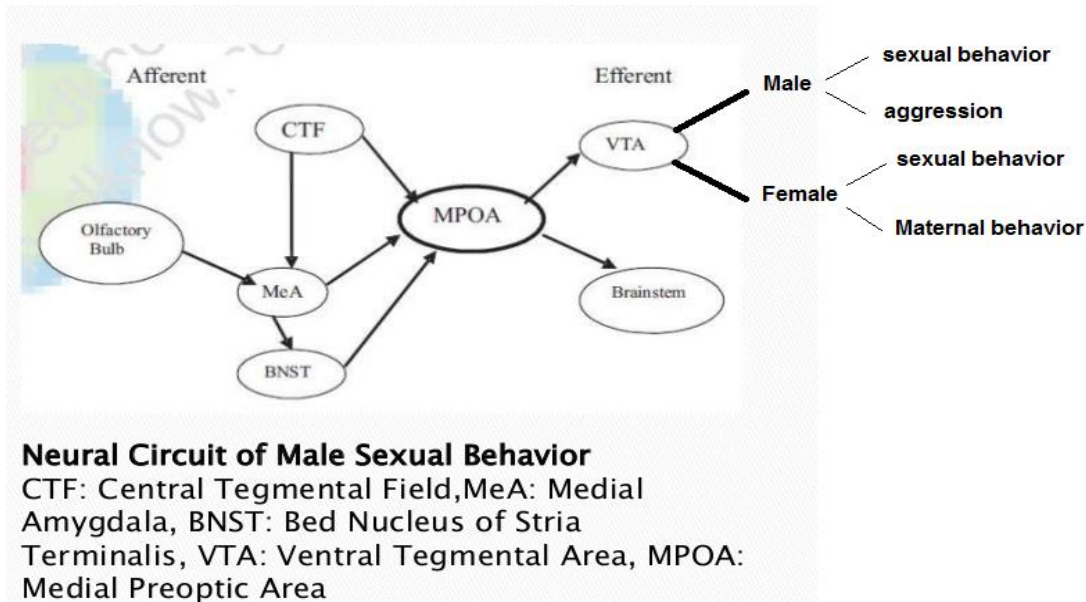
در نمودار زیر نیز مراحل تأثیر فرومون‌ها بر رفتار جنسی مشاهده می‌شود.



<http://debuglies.com/2017/06/23/pheromones-trigger-female-sexual-behavior>

^{۲۴} Haga
^{۲۵} Hattori

در نمودار زیر روابط عصبی مربوط به رفتار جنسی، رفتار پرخاشگری و رفتار مادرانه و همچنین تأثیر عصب بویائی بر این مسیر مشاهده می شود.



<https://www.slideshare.net/karrarhusain/limbic-system-and-psychiatric-disorders-1>

دیدگاه روانکاوی

از نظر فروید^{۲۶} (به نقل از شولتز^{۲۷} و شولتز، ۲۰۰۵؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۶) سائقها یا غریزه‌های جنسی و پرخاشگرانه هر دو از نهاد منشاء می‌گیرند و تلاش فرامن نیز در جهت مهار هر دو غریزه است. در یک نگاه تطبیقی نهاد در نظریه فروید معادل دستگاه لیمبیک^{۲۸} در عصب - روانشناسی بوده و فرامن معادل جلوی پیشانی^{۲۹} مغز است. دستگاه لیمبیک منشاء عصبی تمایلات و رفتارهای پایه می‌باشد که برای بقای فرد یا نسل او لازم هستند. همچنین قطعه جلوی پیشانی نیز منشاء پدیده‌هایی چون اخلاق و بازداری و خودمهارگری و خودتنظیمی است (گایتون و هال، ۱۹۹۶). می‌توان ناحیه ارتباطی آهیانه‌ای - پس‌سری - گیجگاهی^{۳۰} (به ویژه ناحیه ورنیکه^{۳۱}) را که

^{۲۶} Freud

^{۲۷} Schultz

^{۲۸} limbic system

^{۲۹} pre-frontal lobe

^{۳۰} prieto-occipito-temporal area

مرکز تحلیل داده‌ها و تفکر است (گایتون و هال، ۱۹۹۶) معادل من یا خود در نظریه فروید گرفت. همانگونه که دیدیم اجزای دستگاه لیمبیک به خصوص هیپوتالاموس در تولید سائق‌های جنسی و پرخاشگرانه مراکز مشترکی را دارا هستند و این نیز دال بر قرابت و پیوستگی این سائق‌ها با یکدیگر است. فروید (۱۹۳۸؛ به نقل از ملاموث، فشاخ و جاف^{۳۲}، ۱۹۷۷) نوشت که «تمایلات جنسی مردانه اغلب با پرخاشگری ممزوج است». فرام (۱۹۷۳؛ به نقل از ملاموث و همکاران، ۱۹۷۷) پرخاشگری دفاعی را ناشی از رفع بازداری به دلیل گرایش جنسی می‌داند. زیلمن، هویت و دی^{۳۳} (۱۹۷۴) در آزمایشی سه گروه از افراد را در معرض تماشای فیلم‌هایی قرار دادند. گروه اول فیلم جنسی بی‌پرده‌ای را مشاهده کردند. گروه دوم فیلمی پر از پرخاشگری و گروه سوم فیلمی خنثی در شرح یک گشت‌وگذار دیدند. برانگیختگی دستگاه عصبی سمپاتیک این آزمودنی‌ها از طریق اندازه‌گیری سرعت ضربان قلب و فشارخون آزموده شد. گروهی که فیلم جنسی دیده بودند بیشترین برانگیختگی سمپاتیک را پیدا کرده بودند. برانگیختگی سمپاتیک از زمینه‌سازهای پرخاشگری و خشونت است. در مرحله بعد آزمودنی‌ها به عنوان معلمانی به کارگیری شدند که بایستی فراگیران را به خاطر اشتباهات در معرض شوک الکتریکی قرار می‌دادند. گروهی که فیلم جنسی مشاهده کرده بودند شدیدترین شوک‌ها را به فراگیران خطا کار وارد کردند. همچنین شدت شوک اعمال‌شده با شدت برانگیختگی سمپاتیک اولیه همبستگی مثبت داشت. پیش‌تر گفتیم که در آزمایش هلهمر و همکاران (۱۹۸۵) تماشای فیلم‌هایی که موجب برانگیختگی جنسی می‌شوند سطح تستوسترون را در افراد جوان افزایش دادند، در حالی که تماشای فیلم‌های خشن سبب افزایش تستوسترون نشد. با توجه به اثر خشونت‌زای تستوسترون، این آزمایش نیز مؤید آن است که تحریک جنسی عاملی برای بروز خشونت است.

از نگاهی دیگر ویلهلم رایش (۱۹۴۲؛ به نقل از سیمونیان، ۱۳۸۲) که از پیروان فروید بود محرومیت جنسی را عامل خشونت می‌داند. اگر فرض کنیم که محرومیت و ناکامی به طور عام می‌تواند سبب پرخاشگری شود و اگر فرض کنیم که سائق جنسی آنچنانکه فروید در اوایل می‌پنداشت قوی‌ترین سائق است یا دست‌کم یک سائق قوی است، آنگاه این نتیجه‌گیری رایش که محرومیت جنسی عاملی برای پرخاشگری است، منطقی به نظر می‌رسد. اما دیدیم که داده‌های علمی دقیق تحریک جنسی و افزایش رفتار جنسی را نیز عامل پرخاشگری معرفی می‌کنند. به عبارت دیگر مسجل است که نگاه رایش که از پیشگامان لیبرالیسم جنسی است مبنی بر آزادی وسیع رفتار جنسی

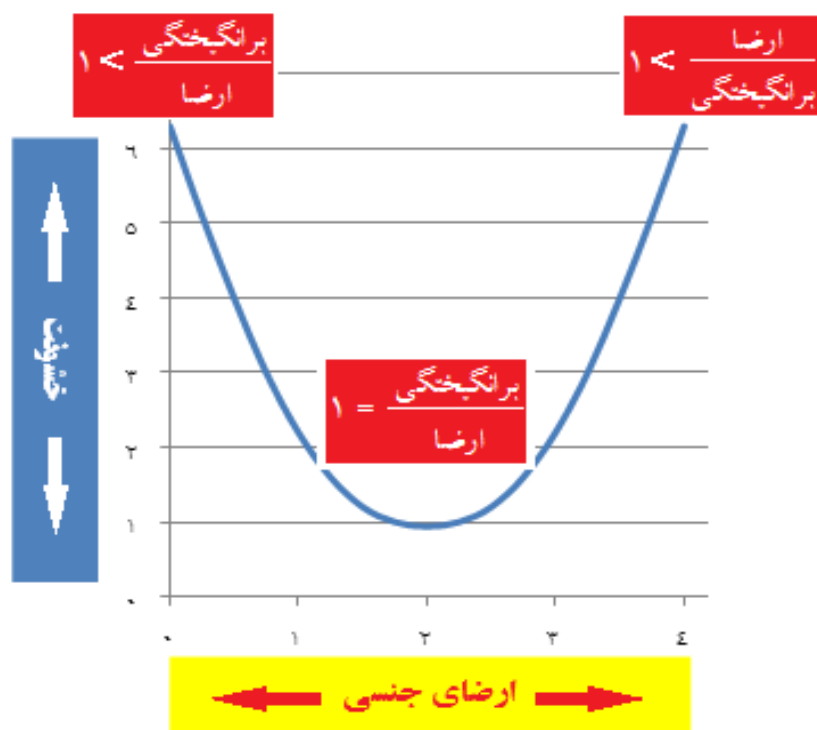
^{۳۱} Wernike's area

^{۳۲} Malamuth, Feshbach, Jaffe

^{۳۳} Zillmann, Hoyt & Day

خود عاملی برای گسترش خشونت است. چگونه باید این دو نتیجه‌گیری را که هر دو قابل قبول هستند، با هم وفق داد؟ برخی نویسندگان اصرار دارند که برانگیختگی جنسی خفیف ممکن است با کاهش پرخاشگری و برانگیختگی جنسی شدید با افزایش پرخاشگری همراه باشد (ملاموث و همکاران، ۱۹۷۷). به احتمال زیاد واقعیت آن است که رابطه رفتار جنسی با خشونت یک رابطه خطی نبوده بلکه رابطه‌ای منحنی است. به این معنی که ارضای جنسی خیلی کم و خیلی زیاد هر دو به افزایش خشونت می‌انجامد و ارضای جنسی میانه بهینه‌ترین حالت برای کنترل خشونت است. می‌توانیم دیدگاه خود را در روابط زیر و نمودار بعد از آن‌ها نشان دهیم:

برانگیختگی جنسی < بهره‌مندی جنسی ← خشونت زیاد
 بهره‌مندی جنسی < برانگیختگی جنسی ← خشونت زیاد
 برانگیختگی جنسی = بهره‌مندی جنسی ← خشونت کم



نمودار رابطه رفتار جنسی با خشونت

همانگونه که در نمودار بالا نشان داده شده است، هرگاه تحریک جنسی بیش از ارضای جنسی باشد و همچنین هرگاه ارضای جنسی بیش از تحریک (یا به عبارتی بیش از نیاز) باشد، شاهد افزایش خشونت خواهیم بود. تحریک بیش از ارضا را در دو وضعیت می‌بینیم: یکی در هنگام محرومیت و یکی در هنگام بمباران تحریک جنسی در فضای حقیقی و مجازی ناشی از بی‌عفتی، بی‌حجابی و چشم‌چرانی. ارضای بیش از تحریک را در وضعیتی می‌بینیم که فرد در فضای لیبرالیسم جنسی دچار افراط در رفتار جنسی شده باشد (هرچند دیدیم که به دلیل چرخه‌های معیوب عصبی و هورمونی، رفتار جنسی، خود می‌تواند عاملی برای تحریک جنسی باشد و بنابراین در فضای لیبرالیسم جنسی نیز ممکن است تحریک بیش از ارضا و گرسنگی جنسی دائمی گردد). کمترین خشونت جنسی در وضعیتی است که میزان تحریک برابر با میزان ارضا باشد، حالتی که فقط می‌توان آن را در صورت اکتفا کردن به تحریک و ارضای جنسی در چارچوب خانواده، مشاهده کرد. توضیح آنکه تمام نتیجه‌گیری‌های فوق به فرض کنترل سایر متغیرهای مؤثر بر خشونت بوده و نظریاتی در مورد اثر خالص رفتار جنسی بر خشونت هستند، همانگونه که نظریات پیشین، از قبیل نظریه رایش، نیز چنین بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به چرخه‌های معیوب هورمونی و عصبی مربوط به برانگیختگی و رفتار جنسی و هم‌افزایی این دو نوع چرخه و نقش سببی آنها در پرخاشگری و خشونت، نه تنها تمتع جنسی نامحدود سبب سیری جنسی نمی‌شود بلکه منجر به گرسنگی روزافزون جنسی همراه با خشونت و ناامنی اجتماعی می‌گردد. بنابراین رفتارهایی چون چشم‌چرانی مردان، جلوه‌گری زنان، بی‌حجابی، تماشای محصولات بصری هرزه‌نگاری، عادت به خودارضایی، روابط آزاد دو جنس، مقاربت‌های دسته‌جمعی و ... و به طور کلی لیبرالیسم جنسی کمکی به تمدن بشری نخواهد کرد. از سوی دیگر محرومیت جنسی ناشی از تأخیر در ازدواج نیز ممکن است عاملی برای افزایش پرخاشگری باشد. با این توصیف نگاه افراطی و سرکوبگرانه کلیسا و دیدگاه تفریطی لیبرالیسم جنسی، هر دو عامل گسترش خشونت بوده، اما نگاه اعتدالی یعنی ارضای جنسی در محیط خانواده و نه بیشتر حالت بهینه برای کاهش خشونت است. لذا به موازات

اجتناب از لیبرالیسم جنسی بایستی تمهیدات اجتماعی برای ازدواج زودهنگام جوانان اندیشیده شود. چنین وضعیتی تنها با نگاه اسلام سازگار است که این دیدگاه را می‌توان از خلال آیات قرآن دریافت^{۳۴}.

^{۳۴} وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ (المؤمنون/۵)

و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند؛

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (المؤمنون/۶)

تنها آمیزش جنسی با همسران و ملک یمینشان دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند؛

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (المؤمنون/۷)

و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند.

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يَدْرِينَّ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (الأحزاب/۵۹)

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلبابها [= روسری‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه [به نیکی] شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (النور/۳۰)

به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (النور/۳۱)

و به آنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را -جز آن مقدار که نمایان است- آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان [=کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلیخال که برپا دارند به گوش رسد). و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید.

وَأَنكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (النور/۳۲)

مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است.

منابع

رایش، ویلهلم (۱۹۴۲). ترجمه سیمونیان، استپان (۱۳۸۲). کشف انرژی ارگن، روان‌شناسی در عمق، کارکرد ارگاسم. تهران: انتشارات رشد.

شولتز، دوان پی. و شولتز، سیدنی آلن (۲۰۰۵). ترجمه سیدمحمدی، یحیی (۱۳۸۶). نظریه‌های شخصیت. ویراست هشتم. تهران: نشر ویرایش.

مرعشی، سید علی (۱۳۸۶). فیزیولوژی سیستم عصبی و غدد درون‌ریز. تجدید نظر دوم. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

واگنر، اچ. و سیلبر، اس. (۲۰۰۴). روانشناسی فیزیولوژیک. ترجمه اسماعیلی، علی و جعفری، عیسی (۱۳۹۲). تهران: انتشارات شلاک.

Anderson, D. J. (2012). Optogenetics, sex, and violence in the brain: implications for psychiatry. *Biol Psychiatry*. 71 (12). 1081-9.

Anderson, D. J. (2016). Circuit modules linking internal states and social behaviour in flies and mice. *Nature Reviews Neuroscience* 17. 692–704.

Archer, J. (1994). Testosterone and aggression. *Offender Rehabilitation*. 5. 3-25.

Bermond, B. (1982). Effects of medial preoptic hypothalamus anterior lesions on three kinds of behavior in the rat: Intermale aggressive, male-sexual, and mouse-killing behavior. *Aggressive Behavior*. 8 (4). 335–354.

Carlson, N. R. (1992). *Foundations of Physiological Psychology*. 2nd Edition. Boston: Allyn and Bacon.

De Jonge, F. H. and Van De Poll, N. E. (1984). Relationships between Sexual and Aggressive Behavior in Male and Female Rats: Effects of Gonadal Hormones. *Progress in Brain Research*. 61. 283-302.

Delville, Y., Mansour, K. M. & Ferris, C. F. (1996). Testosterone facilitates aggression by modulating vasopressin receptors in the hypothalamus. *Physiology & Behavior*. 60 (1). 25-29.

Enomoto, T. (1981). Male aggression and the sexual behavior of Japanese monkeys. *Primates*. 22 (1). 15–23.

Garn, S.M. (1992). Physical growth and development. In: Friedman SB, Fischer M, Schonberg SK, editors. *Comprehensive Adolescent Health Care*. St Louis: Quality Medical Publishing.

Guyton, A. C. and Hall, J. E. (1996). *Textbook of Medical Physiology*. Saunders.

Haga, S., Hattori, T., Sato, T., Sato, K., Matsuda, S., Kobayakawa, R., Sakano, H., Yoshihara, Y., Kikusui, T. and Touhara, K. (2010). The male mouse pheromone ESP1 enhances female sexual receptive behaviour through a specific vomeronasal receptor. *Nature*. 466 (7302). 118-22.

Hattori, T., Osakada, T., Matsumoto, A., Matsuo, N., Haga-Yamanaka, S., Nishida, T., Mori, Y., Mogi, K., Touhara, K. and Kikusui, T. (2016). Self-Exposure to the Male Pheromone ESP1 Enhances Male Aggressiveness in Mice. *Curr Biol*. 26 (9). 1229-34.

Hellhammer, D. H., Hubert, W. and Schürmeyer T. (1985). Changes in saliva testosterone after psychological stimulation in men. *Psychoneuroendocrinology*. 10 (1). 77-81.

Hunsperger, R. W. (1983). A Neuroethological Study of Sexual and Predatory Aggression in the Domestic Cat. *Advances in Vertebrate Neuroethology*. 56. 1151-1166.

Kikusui, T. (2013). Analysis of male aggressive and sexual behavior in mice. *Methods Mol Biol*. 1068. 307-18.

Lin, D., Boyle, M. P., Dollar, P., Lee, H., Lein, E. S., Perona P. & Anderson D. J. (2011). Functional identification of an aggression locus in the mouse hypothalamus. *Nature*. 470. 221–226.

Malamuth, N. M., Feshbach, S. and Jaffe, Y. (1977). Sexual arousal and aggression: Recent experiments and theoretical issues. *Social Issues*. 33 (2). 111-133.

Morgan, J. P. (2005). *Psychology of Aggression*. New York: Nova Science.

Persky, H., Lief, H. I., Strauss, D., Miller, W. R., and O'Brien, C. P. (1978). Plasma testosterone level and sexual behavior of couples. *Arch Sex. Behav*. 7. 157–173.

Susman, E. J., Dorn, L. D. and Schiefelbein, V.L. (2003). Puberty, sexuality and health. In: Learner MA, Easterbrooks MA, Mistry J, editors. *Comprehensive Handbook of Psychology*. New York: Wiley.

Xu, X., Coats, J. K., Yang, C. F., Wang, A., Ahmed, O. M., Alvarado, M., Izumi, T. and Shah', N. M. (2012). Modular Genetic Control of Sexually Dimorphic Behaviors. *Cell*. 148 (3). 596–607.

Zillmann, D., Hoyt, J. L. & Day, K. D. (1974). Strength and duration of the effect of aggressive, violent, and erotic communication on subsequent aggressive behavior. *Communication research*. 286-306.